

از دریا، از عشق، و چیزهای دیگر...

روجا چمنکار در **رمز عبور بر بال‌هایم** خواننده را به کشف معنا می‌برد



آرش نصرت‌اللهی
شاعر و منتقد

روجا چمنکار، شاعر شناخته‌شده معاصر است که بسیاری از شعرهایش به زبان‌های مختلف به‌خصوص انگلیسی و فارسی ترجمه شده و به صورت کتاب مستقل نیز منتشر شده است و در واقع از تجربه شاعری ارزشمندی برخوردار است. «رمز عبور بر بال‌هایم»، نهمین مجموعه شعر روجا چمنکار نیز چون مجموعه‌های پیشین او، مملو از تصاویر است. در آغاز کتاب نوشته شده «برای پدرم و مادرم» و شامل ۳۲ شعر است که در ۸۹ صفحه توسط نشر نگاه منتشر شده است. مضمون در این مجموعه به شدت به زیست قهرمان آن نزدیک است و این امر توجه چمنکار به یگانگی شعر و زندگی را نشان می‌دهد. البته که عشق به عنوان پس‌زمینه مضمونی این مجموعه، در همه‌جا حضور دارد و جنوب و جنگ و دریا هم نقش مهمی در مضمون‌سازی و البته تصویرسازی‌ها به عهده گرفته‌اند.

توانایی روجا چمنکار در تنظیم دوز به تأخیر انداختن معنی و البته مخفی کردن معنی در شگردهای زبانی، امکانات کشف مناسبی به خواننده متن می‌دهد و لذت لازم از خواندن شعر را داراست.

استفاده از وجوه اشتراکی معنی‌ها و ایجاد معناها دو یا چندگانه برای کلمات و عبارات، شکستن ثرم زبان و زمان، ایجاد گسست‌های زمانی و بسیاری موارد اجرایی دیگر در شعرها قابل شناسایی است، شعر اول کتاب: «از خواب‌هایم بپرس» اینگونه آغاز می‌شود: «حالا که داری به من فکر می‌کنی / زمان را روی پنجشنبه نگه دار / برف ببارد / از لای سفیدی کاغذ بدوی به سمتم» و اینگونه تمام می‌شود: «برف بر حال من نشست و / پنج‌شنبه است».

و البته نقش خیال بسیار پررنگ. خیال به عنوان یک عنصر توانمند در شعر از دیرباز مطرح بوده و به نظر می‌رسد روجا چمنکار با درک و رسیدن به شناخت مناسب از مقوله خیال، توانسته فضاهای سیال مثری را در راستای ساخت معنای شعرش ایجاد کند.

تعلیق به عنوان گزاره‌ای که کارکردی متعارف در زیست امروزی انسان دارد، در شعرهای این مجموعه مورد توجه بوده است. مثل شعر «دگرذیسی» که این‌گونه آغاز می‌شود:

این بار
اگر از این پیله
پروانه بیرون آمدم
مرا از زخم انگوری که بر گلویم چکیده
خواهی شناخت
از نقشه‌های فرار در بال‌هایم
و آسمانی دور در چشمانم...

قابل شناسایی است که کل ساختار این شعر با استفاده از «اگر» در وضعیت تعلیق قرار گرفته و در واقع اگر این «اگر» محقق نشود، چه می‌شود؟ این بند در ادامه هم در شعر تکرار می‌شود و تعلیق را بیشتر می‌کند و البته اجزای تعلیقی دیگری در این شعر وجود دارد:

به آسمان نگاه کن!
شعرترین شعرم را برای تو نوشته‌ام
ناگهان شعری که دلت را می‌لرزاند
منم
به آسمان نگاه کن!
ماه اگر در آسمان بلغزد ماهی است
اگر در دلت بلغزد
منم...

توجه بیشتر به این شعر نشان می‌دهد و به اجرای چند تکنیک نخ‌نما شده، دارد و به نظر می‌رسد موسیقی متن در انتخاب‌های شاعر، نقش قابل توجهی دارد. استفاده از امکانات لایه‌های بیرونی زبان مانند واج‌آرایی هم از شگردهای چمنکار به شمار می‌رود. ایجاد فضاهای ارتباطی که منجر به امکانات کشف در متن می‌شود نیز به طور متعدد در این شعر و شعرهای دیگر مشاهده می‌شود: ناگهان سکوت خشداری که از شقیقهات عبور می‌کند منم...

جهان را به شاعران بسپارید



■ شاعر: محمدرضا
عبدالملکیان
■ ناشر: چشمه

محمدرضا عبدالملکیان از شاعران نوگو و نوجوی عصر انقلاب و حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی است. در ابتدا به قالب چهارپاره‌های پیوسته روی آورد، اما بیشتر اشعارش در قالب نو نیمايي و سپید سروده شده است. اغلب شعرهای وی رنگ‌وبوی عاشقانه با درون‌مایه اجتماعی دارد که با لحنی ساده و خوش‌آهنگ به دور از ابهام بیان شده‌اند: «خاطره‌ها / گاه و بی‌گاه می‌آیند / کنار می‌نشینند / می‌خندند / گریه می‌کنند / اما پیر نمی‌شوند...»

نیم‌رخ تابستان



■ شاعر: جواد کلیدری
■ ناشر: نگاه

جواد کلیدری متولد روستای کلیدر، از توابع نیشابور است. تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش گذرانده و در رشته زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه مشهد فارغ‌التحصیل شده است. لیسانس این رشته را دارد و دبیر آموزش و پرورش در مشهد است. «نیم‌رخ تابستان» نخستین کتاب شعر اوست: «هم شاعران / هم زرافه‌ها / تنها ماییم که شب‌ها / ترانه‌هایمان را زمزمه می‌کنیم در گوش جهان / به بیداری سوگند! / و به عطر خوش شب‌بو در تاریکی...»

فروتن به وقت اسطوره‌شدن



■ شاعر: فرزاد کریمی
■ ناشر: ثالث

«فروتن، به وقت اسطوره‌شدن» چهارمین مجموعه شعر فرزاد کریمی است: مجموعه‌ای از شعرهای کوتاه و بلند که اغلب بدون نام بوده و زبانی سالم و ادیبانه دارند. شیوه استفاده از بینامتنیت اسطوره‌ای در شعرها و پافشاری بر عدم تغییر در ساختار زبانی در شعر ویژگی‌هایی هستند که کمابیش در هر چهار مجموعه این شاعر تکرار شده‌اند.